

به نام خدا

سهم من

www.ketab.ir

نویسنده:

فاطمه میرزائی

سرشناسه	: میرزائی، فاطمه، ۱۳۴۶ دی-
عنوان و نام پدیدآور	: سهم من / نویسنده فاطمه میرزائی؛ ویراستار آزاده غیبی زاد.
مشخصات نشر	: گرگان: ویراست، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۸ ص:؛ ۵/۱۴ X ۵/۲۱ س.م.
شابک	: 978-622-5675-37-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴ Persian fiction -- 20th century
رده بندی کنگره	: ۸۳۶ PIR
رده بندی دیویی	: ۶۲/۳۴۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۷۲۱۰۱
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

سهم من

نویسنده	: فاطمه میرزائی
ویراستار	: آزاده غیبی زاد
ناشر	: ویراست
طراح جلد	: محمدحسین اکبری
قطع	: رقعی
مشخصات ظاهری	: ۲۶۸ صفحه
چاپ و صحافی	: بهمن
نوبت چاپ	: اول، ۱۴۰۱
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۵۶۷۵-۳۷-۷
شمارگان	: ۵۰۰ جلد
قیمت	: ۷۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای نویسنده محفوظ است.
و هرگونه سو، استفاده و کپی برداری پیگرد قانونی دارد.

ویراست

www.virastpub.com virastpub@gmail.com

۰۹۱۹۹۵۴۱۳۸۰ ۰۱۷-۳۲۳۵۷۵۵۵

virastpub

۳۲۳۵۸۵۵۵

فهرست مطالب

مقدمه:	۷
فصل ۱	۱۳
فصل ۲	۲۳
فصل ۳	۳۳
فصل ۴	۴۹
فصل ۵	۵۹
فصل ۶	۶۷
فصل ۷	۷۵
فصل ۸	۸۹
فصل ۹	۹۷
فصل ۱۰	۱۰۵
فصل ۱۱	۱۱۳
فصل ۱۲	۱۲۹
فصل ۱۳	۱۳۹
فصل ۱۴	۱۵۱
فصل ۱۵	۱۶۳



فصل ۱۶ ۱۷۱

فصل ۱۷ ۱۸۳

فصل ۱۸ ۱۹۷

فصل ۱۹ ۲۱۵

فصل ۲۰ ۲۲۵

فصل ۲۱ ۲۳۳

فصل ۲۲ ۲۴۱

فصل ۲۳ ۲۴۹

فصل ۲۴ ۲۵۷

www.ketab.ir

مقدمه:

به نظر من یکی از نیازهای بشر، انس و الفت؛ دوست داشتن و دوست داشته شدن است؛ بنابراین تنهایی برایش سخت و دشوار است. انسان به کسی نیاز دارد که امین، غمخوار، مهربان و رازدارش باشد تا با او انس بگیرد و عشقش را خالصانه نثارش کند. چه برای مرد و چه برای زن، بهترین فردی که می‌تواند این نیاز را تأمین کند، همسر است.

خداوند مهربان در سوره نور، آیه ۲۳ می‌فرماید:

«دختران و پسران خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی‌نیازشان می‌گرداند. خداوند گشایشگر دانا است.»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«و از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا نزد آنان آرامش یابید و میان شما رافت و مهربانی قرار داد.»

به قول قدیمی‌ها دختر و پسری که ازدواج می‌کنند، بهر امید به خانه بخت می‌روند؛ چه اولش عاشق هم باشند و چه نباشند، چه به‌طور سنتی و چه به صورت مدرن و امروزی ازدواج کنند. در هر صورت به امید خوشبختی پای سفره عقد می‌نشینند.

آن‌ها باید عاشق شدن و عشق ورزیدن را خوب یاد بگیرند و خانواده‌ها باید حامی آن‌ها باشند، نه اینکه چوب لای چرخ زندگی‌شان بگذارند تا خدای ناکرده به اختلاف و جدایی منجر شود، به‌خصوص وقتی پای بچه‌ها در میان است.

در زمان‌های قدیم، همان‌قدر که ازدواج مقدس و محترم بود، طلاق ناپسند و مذموم شمرده می‌شد و بیشتر اوقات زن تا جایی که می‌توانست سختی‌ها را به جان می‌خورد تا کانون خانواده از هم نپاشد. اما امروزه به دادگاه خانواده که وارد می‌شوید، می‌بینید سالن پر از زنان و مردانی است که زمانی با عشق حلقه ازدواجشان را به دست می‌کردند و به هم قول داده بودند تا ابد کنار هم بمانند، مدتی را هم با عشق گذرانده‌اند، دوستت دارم گفته و دوستت دارم شنیده‌اند و قرار بوده تا آخر عمر عاشق هم باشند، اما سرانجام همه آن عشق و دوست داشتن در سالی یا یک به تنفری رقت‌انگیز تبدیل می‌شود که هر طرف تمام تلاشش را برای نابودی طرف مقابل می‌کند.

طلاق از نظر لغوی به معنی رها شدن و در اصطلاح عبارت از پایان دادن زناشویی به وسیله زن و شوهر است.

همان‌طوری که پیوند بین افراد طبق آیین و قراردادهای رسمی و اجتماعی هر کشوری برقرار می‌شود، چنانچه دو طرف نتوانند به دلایل گوناگون شخصیتی، محیطی، اجتماعی و ... به زندگی خود ادامه دهند، طبق قوانین می‌توانند از هم جدا شوند و این جدایی آثار مخرب خود را بیشتر از همه روی فرزندان می‌گذارد.

با توجه به اینکه طلاق در گذشته امری قبیح و درعین حال وحشت‌آور تلقی می‌شده است، امروزه می‌بینیم طلاق ابزاری شده که افراد به کمک آن خود را از وضعیت موجود رها می‌کنند. طوری که نسل امروز ما در مقایسه با

گذشته، از پدیده طلاق وحشت ندارند و این امر در حال جا افتادن در جامعه است.

از آنجاکه هدف دین اسلام، ایجاد پیوند بین انسان‌ها و تشکیل کانون‌های خانوادگی است، طلاق را که مخالف فطرت و طبیعت انسان و برخلاف قانون پیوند زن و مرد است، نکوهیده و آن را امری مغضوب خداوند می‌داند.

حضرت علی (ع) می‌فرماید:

«ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید؛ زیرا عرش الهی از طلاق به لرزه درمی‌آید.» از نظر اسلام، طلاق آخرین راه مداوای ناسازگاری زن و شوهر است. اسلام معتقد است اگر راهی برای جدایی زن و شوهر نباشد، زندگی ایشان دشوار و عذاب‌آور خواهد بود و ممکن است نتایجی ویران‌کننده مثل خودکشی، فساد و قتل داشته باشد.

امروزه، متأسفانه شاهد افزایش امر طلاق در جامعه هستیم و می‌بینیم که احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه بین زن و مرد سست شده است. در جوامع امروزی پیوندهای ازدواج زود برقرار و زود هم قطع می‌شوند.

طلاق شعله محبت را خاموش می‌کند، عشق‌ها را به کینه و دشمنی بدل می‌کند. زن و مرد ضعف‌های یکدیگر را در برابر چشم همه بزرگ می‌کنند. آن‌ها فقط نقاط منفی یکدیگر را می‌بینند و هر کدام سعی می‌کنند دیگری را متهم کنند. زنی مهربان یک‌باره لجباز می‌شود و مردی با چنان عظمت و وقار به یک‌باره عیب‌جو می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین خطراتی که در زندگی همه انسان‌ها وجود دارد طلاق است.

جدایی و طلاق بیشتر متوجه کودکان خانواده است که دلشان به مهر والدین گرم است و خانه را مرکز امید و پناهگاه خود می‌دانند. اگر پدران و مادران بدانند طلاق و جدایی چه محرومیتی را برای فرزندان به وجود می‌آورد و دل

نازک طفل را چگونه می‌شکند و او را از چه لذاتی محروم می‌کند، شاید هرگز تن به این کار ندهند.

جدایی پدر و مادر چنان فرزندان را پریشان می‌کند و آثار شومی روی آن‌ها می‌گذارد که ممکن است مادام‌العمر دامن‌گیر فرزندان شود.

بسیاری از افراد، بعد از آنکه حرف از جدایی می‌شود، برای پیشگیری از طلاق به دنبال راه چاره‌ای می‌گردند. گاه زوجین در زندگی زناشویی به جایی می‌رسند که یکی از آن‌ها پیشنهاد طلاق می‌دهد. معمولاً زن و مرد برخلاف علاقه‌ای که به همسر خود دارند، به دلیل خستگی از دعوای و جنجال‌ها و مشکلات پیش آمده، جدایی و طلاق را تنها و بهترین راه ممکن می‌دانند. طلاق و جدایی یک باره و ناگهانی اتفاق نمی‌افتد، بلکه حاصل شرایط مختلف، رفتارها و انتخاب‌های غلط افراد در طول زندگی است.

دخالت منفی اطرافیان در زندگی زناشویی، رفتارهای تخریب‌گرانه زن و مرد مانند اعتیاد به الکل و مواد مخدر، روابط جنسی پرخطر، مشکلات مالی و اقتصادی، پایین بودن سطح مهارت‌های ارتباطی زوجین، مشکلات اخلاقی زن و شوهر و خیانت باعث جدایی می‌شوند.

بهتر نیست به جای دعوای، جروبحث‌ها و ... مانند دو انسان متمدن با هم بنشینید و صحبت کنید. به زبان ساده، دلیل رفتارهایتان را توضیح دهید و بگذارید مسائل حل شوند. به جای اینکه بنشینید و غصه زندگی نداشته‌تان را بخورید، به آن زندگی رویایی که می‌توانید بسازید، فکر کنید.

آرامش یافتن می‌تواند به پیوند خوردن دوباره قلب‌هایتان کمک کند. گاه زن و مرد از یکدیگر انتظاراتی دارند، اما هیچ‌وقت این انتظار را با همسرشان در میان نمی‌گذارند؛ مثلاً زنی دوست دارد همسرش برایش گل بخرد، اما هیچ‌وقت به کسی نگفته و همسرش هیچ اطلاعی از خواسته او ندارد، اما او هر روز این ناراحتی را به دوش می‌کشد. البته این مثالی کوچک و جزئی

است. بهتر است در زندگی، انتظاراتتان از همسران را به طور واضح به او بگوئید و انتظارات غیرمنطقی را کنار بگذارید.

تعداد زیادی از افراد به دلیل نارضایتی جنسی به مشکلات بزرگ تر می رسند. متأسفانه ناآگاهی های افراد در چگونگی برقراری رابطه جنسی، حیای بیش از حد و مواردی از این قبیل پس از مدتی به طلاق منجر می شود.

برای داشتن زندگی موفق، زن و شوهر باید برای هم احترام متقابل قائل باشند. از رفتارهای پر از نفرت و بی احترامی در ارتباط با همسر بپرهیزید؛ زیرا این رفتارها عشق و صمیمیت را از بین می برند و به بروز سردی منجر می شوند. بدون احترام متقابل نمی توانید زندگی مشترک شادی داشته باشید. پس زوجین باید برای تداوم زندگی مشترک خود، قدم هایی بردارند؛ چون زندگی مشترک آسان به دست نمی آید که آسان از دست برود.

تجربه نشان داده است بیشتر از دواها به دلایل احساسی و عجولانه به پایان راه می رسند و اگر زن و شوهر کمی بصیرت و شکیبایی داشته باشند، زندگی مشترک به طلاق ختم نمی شود.

به نظر من وقتی یکی از دو طرف پیشنهاد طلاق می دهد، طرف مقابل برای آنکه خوار نشود، باید کمی احساس غرور داشته باشد. باید اجازه دهید اعمال و رفتار شما بیشتر از صدایتان بازگو کننده شخصیت شما باشد. اگر فهرستی از انتقادات و نظراتی را که همسران در عصبانیت در مورد شما می گوید آماده کرده باشید؛ باید بدانید این فهرست باعث شده کار به جدایی بکشد. محکم و قوی باشید، با خودتان کلنجار نروید، اشتباهات خود را درک کنید و بپذیرید و سعی کنید آن ها را اصلاح کنید و عادات خوبی را جایگزین آن ها کنید. مطمئن باشید یکی از راه های پیشگیری از طلاق این است که از خودتان شروع کنید نه دیگران.